

ضرب‌المثل‌های فارسی - حرف « آ »

«آب از دستش نمی‌چکه.» ...



- * «آب از دستش نمی‌چکه.»
- * «آب از سرچشمه گل‌آلوده.»
- * «آب از آب تکان نمی‌خوره.»
- * «آب از سرش گذشته.»
- * «آب از آب تکان نخورد.»
- * «آب پاکی روی دستش ریخت.»
- * «آب در کوزه و ما تشنه‌لبان می‌گردیم.»
- * «آب را گل‌آلود می‌کنه که ماهی بگیره.»
- * «آب را باید از سرچشمه بست.»
- * «آب زیر پوستش افتاده.»
- * «آب که یه جا بمونه، می‌گنده.»
- * «آبکش رو نگاه کن که به کفگیر می‌گه تو سه سوراخ داری.»
- * «آب که از سر گذشت، چه یک ذرع چه صد ذرع - چه یک نی چه صد نی.»
- * «آب که از سر گذشت، چه یک وجب چه صد وجب.»
- * «آب که سر بالا می‌ره، قورباغه ابوعطا می‌خونه.»
- * «آب گرونتر از بنزین شد.»
- * «آب نمی‌بینه و گرنه شناگر قابلیه.»
- * «آبی از او گرم نمی‌شه.»
- * «آتش که گرفت، خشک و تر می‌سوزد.»
- * «آخر شاه منشی، کاه‌کشی است.»
- * «آدم، آ هست و دم.»
- * «آدم از کوچکی بزرگ می‌شود.»
- * «آدم با کسی که علی گفت، عمر نمی‌گه.»
- * «آدم بد حساب، دوبار می‌ده.»
- * «آدم به کیسه‌اش نگاه می‌کند.»
- * «آدم پول پیدا می‌کند، پول، آدم را پیدا نمی‌کند.»
- * «آدم تنبل، عقل چهل وزیر داره.»
- * «آدم خودش بمیرد هوادارش نمیرد.»
- * «آدم خوش معامله، شریک مال مردمه.»
- * «آدم دانا به نیشتر نزنند مشت.»
- * «آدم دست پاچه، کار را دوبار می‌کنه.»
- * «آدم دست پاچه دوبار می‌شاشه.»
- * «آدم زنده، زندگی می‌خواد.»
- * «آدم زنده وکیل وصی نمی‌خواد.»
- * «آدم گدا، اینهمه ادا؟»
- * «آدم گرسنه، خواب نان سنگک می‌بینه.»
- * «آدم گرسنه، یاد پلوی عروسپیش می‌افته.»
- * «آدم ناشی، سرنا را از سر گذاشت می‌زنه.»

* «آردها مونو بیختیم، الکاها مونو آویختیم.» (آرد خود را بیختیم، آردبیز را آویختیم.)

* «آرزو بر جوانان عیب نیست.»

* «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است// با دوستان مروت، با دشمنان مدارا» حافظ

* «آستین نو، پلو بخور»

* «آسوده کسی که خر نداره// از گاه و جوش خبر نداره.»

* «آسیاب به نوبت.»

* «آسه برو آسه بیا که گربه شاخت نزنه.»

* «آشپز که دوتا شد، آش یا شوره یا بی‌نمک.» (آشپز که دوتا شد، آش یا شور می‌شه یا بی‌نمک)

* «آش با جاش.»

* «آش نخورده و دهن سوخته.»

* «آش اینجا لواش اینجا کجا برم به از اینجا.»

* «آفتابه خرج لحیمه.»

* «آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی.»

* «آمدم ثواب کنم، کباب شدم.»

* «آمد زیر ابروشو برداره، چشمش را کور کرد.»

* «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا» شهریار

* «آنان که غنی‌ترند، محتاج‌ترند.» سعدی

* «آنچه دلم خواست نه آن شد// آنچه خدا خواست همان شد.»

* «آنرا که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است؟»

* «آنقدر بارکن که بکشد، نه آنقدر که بکشد»

* «آنقدر بایست، تا علف زیر پات سبز بشه.»

* «آنقدر سمن هست، که یاسمن توش گمه.»

* «آنقدر مار خورده که افعی شده.»

* «آنوقت که جیک‌جیک مستانت بود، یاد زمستانت نبود؟»

* «آن یکی می‌گفت اشتر را که هی// از کجا می‌آیی ای فرخنده‌پی// گفت: از حمام گرم کوی تو// گفت: خود پیداست از زانوی تو»

* «آنکه به ما نریده بود کلاغ کون دریده بود.»

* «آواز دهل شنیدن از دور خوشه.»